

دست کم طی دو دهه اخیر نوشته‌ها و گفته‌های بسیاری درباره یکسان-انگاری یا ناهمسانی ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی نوشته شده است. هر کدام از نویسندگان و گویندگان استدلال ویژه خود را مطرح کرده‌اند. با این حال، نویسنده متن هم از شمار کسانی است که این دو اصطلاح را دو مفهوم برای بیان وضعیت «کنش متقابل جغرافیا و سیاست» می‌داند. زیرا هم هر دو واژه ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی آمیزه‌ای از دو واژه «ژئو» زمین و «پلیتیک» سیاست هستند. واژه «ژئو» گواهِ بر زمین با تمام ویژگی‌های و توانش - های انسانی و طبیعی آن است و «پلیتیک» هم به معنای سیاست با محوریت قدرت است. شگفتی آنجاست همه کسانی که مدعی تمایز این دو هستند نخست آنکه عموماً خود را ژئوپلیتیسین یا ژئوپلیتیک-شناس می‌دانند دیگر آنکه از ارائه تعریفی که این دو را از هم جدا بیانگارد ناتوان نشان داده‌اند چون دقیقاً هر دو واژه را به جای هم می‌توان به کار برد. بارها دیده شده که حوزه مطالعاتی ژئوپلیتیک را سیاست خارجی و فراکشوری و جغرافیای سیاسی را کشوری دانسته‌اند. از هر منظری به جغرافیای سیاسی نگریسته شود این علم زیر مجموعه علوم جغرافیایی است که به تحلیل پدیده‌های سیاسی-فضایی می‌پردازد و مقیاس مطالعاتی آن از سطح خرد تا کلان یا به بیان جغرافیایی از محلی تا جهانی را پوشش می‌دهد. از این رو، کاستی بنیادی رویکردهایی که حوزه جغرافیای سیاسی درون کشوری و ژئوپلیتیک را فراکشوری و سیاست خارجی می‌دانند به ناآشنایی یا بی‌پروایی آنها به جستار «مقیاس» در علوم جغرافیایی باز می‌گردد. از دیگر سو، گاه مطرح می‌کنند که مفاهیم جغرافیای سیاسی سرشتی ایستا و مفاهیم ژئوپلیتیک پویایی دارند. این در حالی است که از یک سو بنیاد آفرینش بر گردش و پویایی نهاده و از دیگر سو، برخاسته از رشد و گسترش فناوری‌ها و دگرگونی در نیازها و خواست‌های انسان، قلمرو اثرگذاری و اثرپذیری انسان‌ها مقیاسی فراکروی یافته است. از این رو، پویایی و دگرگونی، بخشی از چرخه زیست‌آدمیان بوده است که در آینده جهش بیشتری خواهد داشت. از این رو، پذیرفتنی‌تر آن است که ژئوپلیتیک را کوتاه‌نوشت [1] جغرافیای سیاسی بدانیم و همه ویژگی‌هایی که پیش از این برای جغرافیای سیاسی برشمرده شد بر ژئوپلیتیک هم جاری شود که این مهم افزون بر کاهش سرگردانی‌های موجود در جامعه جغرافیای سیاسی، زمینه بازگشت به خاستگاه جغرافیایی این علم را فراهم می‌کند. هر چند در بسیاری از متون دو دهه اخیر در حوزه جغرافیای سیاسی نیز می‌توان چنین رویکردی را دنبال کرد که در چهارچوب آن مرز و تمایز میان جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بی‌معنا شده است.

دکتر مراد کاویانی راد استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی